

عطر خواهم شد،
صدا خواهم شد و رنگین کمان
بال خواهم زد، ترانه خوان به تو!
نه قفس، نه قفل، نه میله، نه بند
من چه آزادم از این زندان به تو!
من رها کردم من و،
با یاد یاران، ما شدم!

قطره قطره،

موجه موجه،

میهن دریا شدم!

تنشکسته،

ترمه پوش زخم و خون،

در مسیر عشق ققنوسی چنین زیبا شدم!

نور خواهم شد.

نکته نام ترا

به درخت و باد خواهم داد!

ابر خواهم شد.

شوق دیدار ترا

به ستاره یاد خواهم داد!

شور خواهم شد.

شور رویش،

ساختن،

آفریدن،

شادی.

شعرخواهم شد!

شعرآب و گندم،

آهن، نسان، آزادی!

عطر خواهم شد،

صدا خواهم شد و رنگین کمان

بال خواهم زد ترانه خوان به تو

نه قفس،

نه قفل،

نه میله،

نه بند.

من چه آزادم از این زندان به تو!

ایرج جنتی عطایی